



## آرامستان "آیچی" میعادگاه دیگری برای خانواده‌های جانفشاندگان

با گذشت ۹ ماه از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد، تحرکات نیروهای امنیتی نشان می‌دهد که نظام فاشیستی جمهوری اسلامی قصد دارد با ایجاد تغییراتی در محل دفن او، دسترسی به مزار ژینا را برای مردم و خانواده‌ها سخت کند. مزار ژینا به دلیل موقعیت قرار گرفتن آن در آرامستان "آیچی" که در مسیر جاده اصلی قرار دارد، شرایط ویژه‌ای را فراهم کرده که دسترسی به مزار ژینا برای عموم مردم آسان است. این امر باعث شده تا نهادهای امنیتی با اعمال فشار بر فرمانداری و شهرداری سقز، از آن‌ها خواسته‌اند تا با ایجاد تغییراتی در آرامستان "آیچی"، مزار ژینا را از دید و دسترسی عمومی خارج کنند.

در پی انتشار خبر احتمالی تغییرات در اطراف مزار مهسا امینی و تلاش رژیم برای پنهان سازی آرامگاه او، روز جمعه ۱۹ خرداد ۱۴۰۲، علاوه بر تجمع اعتراضی مردم در مقابل فرمانداری سقز، تعداد زیادی از خانواده‌های جانفشاندگان جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" از شهرهای سنندج، دیواندره و دهگلان به دیدار دیگر خانواده‌های داغدار در بوکان و سقز رفتند و سپس جملگی با هم در اعتراض به تخریب و محدود سازی آرامستان "آیچی"، بر سر مزار ژینا حضور یافتند. خانواده‌ها در حالی که تصاویر عزیزان خود را در دست داشتند، از همان ابتدا توسط سروکوبگران جمهوری اسلامی محاصره شدند. خانواده‌های مبارز و داغدار اما بی توجه به این قشون کشی نیروهای سروکوبگر با عزمی استوار در کنار هم ایستادند و از این همدلی و همبستگی با هم قوت قلب گرفتند. در این اجتماع مادرانه، مادر زنده یاد هومن

درصفحه ۲

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

حمله نظامی جمهوری اسلامی به کردستان را شدیداً محکوم می‌کنیم

درصفحه ۴

## " ما همه همبسته‌ایم، از وعده‌ها خسته‌ایم "

ماه‌هاست که بازنشستگان به‌پای ثابت اعتراضات و راهپیمایی خیابانی تبدیل شده‌اند. این انسان‌های زحمتکش که پس از عمری کار و زحمت، قبل از هر چیز باید استراحت کنند و دغدغه یکلقمه‌مان نداشته باشند، برای همین یکلقمه‌مان مجبورند هرروز وارد خیابان شوند و برای دستیابی به‌حق و حقوق خود دست به اعتراض و تجمع و راهپیمایی بزنند. بازنشستگان تأمین اجتماعی که مبتکر یکشنبه‌های اعتراضی بوده‌اند و هر یکشنبه دردها شهر و استان وارد خیابان

درصفحه ۳



## تلاش ارتجاع حاکم برای سرپوش گذاشتن بر ابعاد میلیونی کودکان کار

درصفحه ۵



## از هم گسیختگی اوضاع اقتصادی و بحران معیشت

سعید نیلاز یکی از اقتصاددانان مزدوری که در دوران ریاست‌جمهوری روحانی در غارت سفره‌ی کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه نقش مشاور سیاست‌های ویرانگر اقتصادی را برای طبقه حاکم داشت، در گفتگو با روزنامه "همپیمان" به تاریخ سه‌شنبه ۲۳ خرداد به‌نوعی دیگر به توانایی طبقه حاکم برای مقابله با تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی اعتراف می‌کند. وی ضمن اعتراف به آمارسازی طبقه حاکم برای پنهان کردن نرخ واقعی تورم، اعتراف می‌کند که نرخ تورم در سال ۱۴۰۱ با گذشتن از مرز ۵۰ درصد رکورد ۸۰ ساله نرخ تورم را شکسته است. وی حتا می‌گوید: "به عقیده من نرخ تورم برای سه دهک اول جامعه در سال گذشته سه رقمی بوده است". به عبارت دیگر نرخ تورم برای ستم‌دیدگان جامعه از جمله بخش عمده کارگران، بازنشستگان، معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه در حالی به بالای ۱۰۰ درصد رسید که مزد و حقوق آن‌ها بین ۲۰ تا ۲۱ درصد

درصفحه ۸

چهارشنبه ۲۴ خرداد، محمد باقری بُنایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی گفت: "باتوجه به تورمی که در یکی دوسال اخیر شکل گرفته به نظر می‌رسد که در تهران خط فقر ۳۰ میلیون تومان باشد... حتا با ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی که به گفته بانک مرکزی در کشورهای دیگر داریم نیز نمی‌توان برای کشور کار مهمی انجام داد، چون آنقدر هزینه‌های دولت سرسام‌آور بالا رفته که این مبالغ شاید برای چند ماه کافی باشد". این سخنان اعتراف به بن‌بست و شکست کامل سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی و تبعات ویرانگر این سیاست‌ها بر زندگی و معیشت کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه، از سوی یکی از مزدوران نظم حاکم است.

در حالی که خامنه‌ای و مزدوران دربار وی وقیحانه با تکیه بر اسلحه و سیاست "دروغ درمانی" واقعیت‌هایی را که همچون روز بر همگان آشکار است، انکار می‌کنند؛ سخنانی از این نوع از عمق بحران همه جانبه کنونی و تأثیر آن بر طبقه حاکم حکایت دارد.

## آرامستان "آیچی" میعادگاه دیگری برای خانواده‌های جانفشاندگان

عبداللهی، بیانه جمع را قرائت کرد و دایه شریفه، مادر جاوید نام رامین حسین پناهی نیز در پایان مراسم به سایر مادران گل داد. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که از این حرکت شجاعانه مادران داغدار به خشم آمده بودند، به هنگام بازگشت خانواده ها از آرامستان "آیچی"، با یورش به مینی بوس های حامل اعضای خانواده های جانفشانده، راه بر آنان بستند و ۴۰ نفر را دستگیر کردند. اگرچه تاکنون اکثر دستگیرشدگان آزاد شده اند اما با گذشت بیش از یک هفته هنوز تتی چند از آنان در بازداشت هستند.

هم اکنون از شروع موج جدید جنبش انقلابی توده های مردم ایران ۹ ماه گذشته است. جنبشی که با قتل حکومتی ژینا امینی در ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ در سقز آغاز شد و با سرعت برق و باد در قالب خیزش و قیام و نبردهای خیابانی سراسر ایران را فرا گرفت. با گذشت چندین ماه و به رغم اینکه مبارزات خیابانی توده های مردم ایران تا حدودی افت کرده است، اما مبارزه با حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی به اشکال مختلف ادامه دارد و این نداوم مبارزه ناشی از عمق ناراضیاتی توده های مردم ایران از حکومتی مستبد و آدمکش و به طریق اولی برگرفته از وضعیت انقلابی حاکم بر جامعه است. هم اینک اوضاع جامعه بسیار متلاطم و توفانی است. خشم و بی تابی عمومی سراسر کشور را فرا گرفته است. به رغم تشدید سرکوب و بگیر و ببند، نبض جامعه یکسره در تب و تاب تغییرات بزرگ اجتماعی می زند. زنان همچنان پیشتر مبارزه هستند، معلمان و دانشسنگان برای تحقق مطالبات خود در کف خیابان ها حضور دارند، اعتصابات کارگری در جریان است، دانشجویان در مقابل سرکوب نیروهای امنیتی ایستاده اند، جمعه های اعتراضی زاهدان با شعارهایی نظیر "ایرانی، اتحاد، انقلاب، آزادی"، " زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و " گرد و بلوچ و آذری، آزادی و برابری" همچنان در جریان است و فریاد رسای خانواده های جانفشاندگان جنبش انقلابی ماه های گذشته از هر سو بلند است.

جمهوری اسلامی اما در مواجهه با ناراضیاتی که اکنون در جای جای جامعه جاریست، شمشیر از رو بسته و با توسل به سلاح سرکوب در مقابل توده های مردم ایران ایستاده است. سلاحی که طی سال های اخیر و بویژه در پی شکل گیری موقعیت انقلابی در جامعه، تا حدود زیادی کارایی خود را از دست داده و توده های مردم ایران به رغم یکه تازی رژیم در عرصه سرکوب و زندان و بگیر و ببند، همچنان آشکارا در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده و بر سرنگونی انقلابی آن تاکید دارند.

همراه با مجموعه مبارزات جاری، اکنون خانواده های جانفشاندگان جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" نیز با ایستادن در کنار هم و سازماندهی دیدارهای جمعی، شیوه نوینی از

استقامت و پایداری و مبارزه را تجربه می کنند. تجربه ای گرانقدر از جسارت و همدلی مبارزاتی برگرفته از پایداری سترگ مادران "خاوران" که در شرایط کنونی به شدت خشم جمهوری اسلامی را برانگیخته است.

دیدارهای علنی و آشکار خانواده ها با همدیگر، حضور دست جمعی آنان بر مزار جانفشاندگان جنبش انقلابی، سرود خوانی و گرفتن جشن تولدهای پیاپی بر مزار عزیزانشان، از جمله اشکال نوین مبارزاتی است که این روزها خانواده های داغدار را به یاری و همدلی با هم کشانده است. این سنت مبارزاتی اگر چه در دهه های گذشته هم وجود داشت و خانواده های جانفشاندگان دهه ۶۰ با حضور در گلزار خاوران، همواره یاد و نام و آرمان های انقلابی آن عزیزان سرفراز را زنده نگاه داشته اند، اما ابعاد این حرکت مبارزاتی در این بازه زمانی بسیار فراتر از دوره های گذشته است. نمونه های آن را به صورت روزانه شاهد هستیم و برجسته ترین نمونه آن هم دیدار تعداد کثیری از خانواده ها با خانواده های دیگر جانفشاندگان این جنبش انقلابی در کردستان و حضور جمعی شان بر مزار ژینا امینی است. حرکتی انقلابی و اعتراضی که به شدت خشم نیروهای امنیتی رژیم را بر انگیخت. به گونه ای که ده ها تن از اعضای خانواده ها به هنگام بازگشت از آرامستان "آیچی" بازداشت شدند.

جمهوری اسلامی که انتظار داشت با بازداشت ده ها نفر از خانواده ها، رعب و وحشت را در منطقه ایجاد کند، نه تنها به نتیجه دلخواه خود نرسید، بلکه بر عکس با واکنش اعتراضی وسیعتری از طرف مردم سقز و بوکان مواجه شد. روز سه شنبه ۲۳ خرداد، بازار و کسبه سقز در حمایت از خانواده های بازداشت شده و همچنین در اعتراض به تلاش حکومت برای پنهان سازی مزار ژینا امینی در آرامگاه "آیچی"، با بستن مغازه ها به صورت یکپارچه اعتصاب کردند. عصر همان روز نیز، مغازه داران شهر بوکان به این اعتصاب پیوستند. حرکتی به هنگام، که موجی از امید و همدلی مبارزاتی را در دل انبوه خانواده های داغدار و توده های مردم ایران زنده کرد.

فشار بر خانواده ها، تخریب قبرها و نابود سازی مکان هایی که پیکر جانفشاندگان مبارزات کنونی در آن قرار دارد، امر دیروز و امروز نیست. آنچه را که اکنون جمهوری اسلامی با هدف محدود سازی و پنهان کردن قبر ژینا امینی انجام می دهد، طی سالیان متمادی در گلزار "خاوران" دنبال کرده است. اینگونه اقدامات تخریبی مزدوران جمهوری اسلامی، ادامه همان سیاستی که طی هفته های گذشته با به آتش کشیدن مزار مجید کاظمی در آستانه سالروز تولدش انجام دادند. کاری که پیش از این با تخریب مزار ابوالفضل آدینه کردند. نوجوان ۱۶ ساله ای که در ۱۶ مهر ماه ۱۴۰۱ در مشهد با شلیک گلوله

های مزدوران امنیتی جمهوری اسلامی کشته شد. تخریب مزار میلاد سعیدیان جو، از جان فشاندگان ایذه در ۲۵ آبان سال گذشته، شکستن سنگ قبر محسن شکاری، معترض اعدام شده توسط جمهوری اسلامی، شعارنویسی بر سنگ قبر کیان پیر فلک، کودک ۹ ساله ای که شامگاه ۲۵ آبان ۱۴۰۱ با شلیک ماموران حکومتی در ایذه جان باخت و صدها نمونه دیگر از اینگونه حرکت های ایذایی و تخریبی که توسط مزدوران جمهوری اسلامی صورت می گیرد، جملگی برای محو و نابود سازی مکان هایی است که هرکدام از آنان به یک سمبل مبارزاتی برای توده های مردم ایران تبدیل شده اند.

بر خلاف تصور ظاهری، اگر جمهوری اسلامی سنگ قبری را تخریب می کند، مزاری را به آتش می کشد و نام و نشان مزار دیگری را با شعارنویسی های خود می پوشاند، این صرفا ناشی از کینه و نفرت رژیم نسبت به یک تکه سنگ یا چند وجب خاک نیست که پیکر این عزیزان جان فشانده در آنجا آرمیده اند. تخریب این اماکن، تخریب سمبل های مبارزاتی مردم است. تخریب و محو سازی اماکنی است که این روزها هر کدام به مکانی برای تجمع مردم و خانواده ها تبدیل شده است. کینه ورزی جمهوری اسلامی به مزار ژینا امینی و پنهان سازی مزار او در آرامستان "آیچی"، بدان سبب است که اکنون نام و مزار ژینا، به اسم رمز جنبش "زن، زندگی، آزادی" در ایران و جهان تبدیل شده است. همانگونه که گلزار "خاوران" با نام و یاد جان فشاندگان دهه ۶۰ در قلوب مردم ایران جای گرفته است.

تخریب و محوسازی مزار جانفشاندگان، فشار بر خانواده ها و پرونده سازی علیه آنان که در پی افت نسبی مبارزات خیابانی شدت گرفته است، تنها بخشی از تشدید سرکوب بر جامعه است. هم اینک، جمهوری اسلامی با استفاده از فرصت بدست آمده در حال انتقام گیری از توده های مبارز و رزمنده مردم ایران است. توده هایی که طی جنبش انقلابی نیمه دوم سال گذشته، تا مرز سرنگونی جمهوری اسلامی پیش رفتند و اکنون هیئت حاکمه همانند ماری زخم خورده به فکر انتقام از مردم و مبارزات آنان است. تشدید سرکوب در جامعه اگرچه اینروزها در جای جای کشور جاریست و کم و بیش همه اقشار جامعه را فرا گرفته است، اما به دلیل وضعیت ویژه دو منطقه کردستان و بلوچستان، میزان این سرکوبگری در این مناطق به مراتب بیشتر از سایر نقاط کشور است. اگر در کردستان به دلیل وضعیت مبارزاتی مردم این منطقه، سرکوبگران جمهوری اسلامی تا حدودی دست به عاصا حرکت می کنند، اما در بلوچستان اوضاع به صورت دیگری پیش می رود. در بلوچستان، نیروهای سرکوب، شمشیر انتقام از رو بسته اند و تحت پوشش اعدام متهمان مواد مخدر، عملا کشتار در صفحه ۶

## " ما همه همبسته‌ایم، از وعده‌ها خسته‌ایم "



اگر اجرا شود، هم وضعیت استخدامی و رفاهی نیروی شاغل از لحاظ نوع قرارداد و میزان مزد و حقوق بهتر می‌شود و هم به تبع آن وضعیت نیروهای بازنشسته از لحاظ مستمری‌ها و بیمه‌ها بهبود پیدا می‌کند. بر طبق این مصوبه قرار بوده نارسایی‌های موجود در آئین‌نامه استخدامی و نظام حقوق و مزد کارکنان برطرف شود. قرار بوده مشکلات حقوق و مزد برطرف شود و از کارکنان در مقابل عوارض ناشی از تورم و همچنین مشکلات و نیازهای مادی حمایت شود. با توجه به عدم پوشش کامل بیمه‌ها و خدمات درمانی، قرار بوده از کارکنان در دوران بازنشستگی از طریق صندوق بازنشستگی حمایت شود. قرار بوده نیروی کار مخابرات که تابع قانون کار است، به استخدام دائمی درآید. قرار بوده شرکت مخابرات برای تأمین مسکن کارکنان اعم از خرید، ساخت، تعمیر و پرداخت ودیعه اجاره و یا به طرق دیگر اقدام کند. اما هیچ‌یک از این‌قراریها که به صراحت در بندهای "آئین‌نامه استخدامی و رفاهی" مصوب سال ۸۹ از آن یاد شده به مرحله اجرا در نیامده و شرکت مخابرات ۱۳ سال است که اجرای این آئین‌نامه را پشت گوش انداخته و از پذیرش خواست شاغلان و بازنشستگان مخابرات که در واقع یک خواست قانونی هم هست، سرباز زده است.

افزون بر این، بعد از خصوصی‌سازی شرکت مخابرات، هیئت‌وزیران آئین‌نامه‌ای را در اسفند سال ۸۵ به تصویب رساند که بر پایه بند ۶ این مصوبه، تعهدات مخابرات در زمینه حقوق و مزایا، بیمه بازنشستگی و سایر تعهدات محفوظ و در تعهد شرکت واگذار شده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر شرکت مخابرات در قبال شاغلان و بازنشستگان مخابرات تعهداتی داشته است که بر طبق این بند، پس از واگذاری به بخش خصوصی، مالک جدید نیز متعهد به اجرا و رعایت آن است. اما سهامداران جدید شرکت مخابرات که البته بیشترین سهام آن متعلق به "ستاد اجرایی فرمان امام" است، این تعهدات را زیر پا گذاشته و اجرا ننموده است. در عین حال در بند ۹ این مصوبه نیز تصریح شده است که وظیفه سازمان خصوصی‌سازی است این تعهدات و اجرای آن را دنبال کند. اما در این مورد نیز تاکنون هیچ‌گونه پیگیری یا اقدامی صورت نگرفته و این تعهدات نیز روی هوا مانده است.

بازنشستگان مخابرات در تجمعات اعتراضی و مکرر خود از جمله در تجمع سراسری ۲۲ خرداد بار دیگر خواهان اجرای مصوبه سال ۸۵ هیئت‌وزیران و اجرای کامل آئین‌نامه استخدامی و رفاهی مصوبه سال ۸۹ و پرداخت کامل

در صفحه ۴

برای یک‌کاسه کردن نیرو و انرژی مبارزاتی بازنشستگان است. روز چهارشنبه ۲۴ خرداد بازنشستگان تأمین اجتماعی همراه با بازنشستگان فرهنگی دست‌کم در سه شهر (اهواز، اردبیل و کرمانشاه) باهم وارد خیابان شدند. در سنجند بازنشستگان کشوری و لشگری مقابل استانداری کردستان دست به تجمع زدند. در فارس نیز بازنشستگان فرهنگی مقابل استانداری تجمع برپا کردند. این ترکیب‌های متنوع ضمن آنکه هنوز از نظم معینی برخوردار نشده است، اما تلاش‌هایی است برای هماهنگی مبارزات و اتحاد عمل بازنشستگان.

علاوه بر این‌ها، این روزها ما شاهد تجمعات خیابانی بازنشستگان در فولاد و مس و معادن بوده‌ایم. نهم خرداد بازنشستگان مس سرچشمه مقابل نهاد ریاست جمهوری در خیابان پاستور تهران تجمع اعتراضی برپا کردند. بازنشستگان فولاد نیز بارها در تهران مقابل ساختمان مرکزی فولاد کشور دست به تجمع زدند. بازنشستگان فولاد اصفهان تقریباً وارد یکشنبه‌های اعتراضی شده‌اند. بازنشستگان فولاد خوزستان، بازنشستگان معدن سنگ رود و معدن البرز شرقی نیز بارها دست به تجمع اعتراضی زدند. افزون بر این‌ها گروه نسبتاً بزرگی از بازنشستگان راه، بازنشستگان مخابرات تشکیل می‌دهند که به یکی از نیروهای ثابت‌قدم تجمعات خیابانی تبدیل شده‌اند. این بازنشستگان دست‌کم



طی دو سال گذشته مبارزات منظمی را سازمان داده‌اند. در سال جاری نیز هر هفته یکبار و گاه دو بار تجمعات سراسری دردها شهر و استان برپا نموده‌اند. روز دوشنبه ۲۲ خرداد، بازنشستگان مخابرات در بیش از ۱۶ شهر و استان از جمله؛ تهران، شیراز، مشهد، کرمانشاه، اصفهان، تبریز، زنجان، دزفول، اراک، لرستان، کردستان، سیستان و بلوچستان، گیلان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و خراسان رضوی تجمع سراسری برپا کردند. این چندمین تجمع سراسری در خردادماه بود. چند روز قبل از آن در ۱۶ خرداد و نیز در روزهای قبل‌تر از آن نیز در چندین شهر اجتماعات اعتراضی برگزار کرده بودند.

بازنشستگان مخابرات سال‌هاست خواهان اجرای "آئین‌نامه استخدامی و رفاهی" هستند که ۲۴ مرداد سال ۸۹ به تصویب رسیده است. اما علی‌رغم اعتراضات مکرر و چندین ساله بازنشستگان مخابرات، این آئین‌نامه تا این لحظه اجرا نشده و همچنان روی کاغذ مانده است. این آئین‌نامه شامل چندین فصل و ده‌ها ماده است که

می‌شوند، اکنون هفته‌هاست که علاوه بر یکشنبه‌ها، روزهای دیگر هفته نیز تجمعات اعتراضی برگزار می‌کنند. در برخی شهرهای جنوب مانند اهواز، شوش و هفت‌تپه، شوشتر، اعتراضات این قشر زحمتکش به چند روز در هفته رسیده است. در اهواز و برخی شهرهای دیگر اعتراضات در شکل راهپیمایی و سپس تجمع در برابر استانداری خوزستان همراه بوده است. بازنشستگان تأمین اجتماعی با پابندی به این شعار خود "تنها کف خیابون، به دست میاد حقون" در سه ماهی که از سال جاری گذشته



است هر هفته چند بار و دست‌کم یکبار در هفته در کف خیابان پیگیر مطالبات خوش بوده‌اند. بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز در تجمع روز یکشنبه ۲۸ خرداد سال جاری علاوه بر طرح شعارها و حمل شعارنوشته‌های همیشگی خود، بار دیگر از فرزانه زیلابی و کیل کارگران هفت‌تپه حمایت نموده و پلاکارد بزرگی را نیز با خود حمل می‌کردند و در آن خواهان لغو حکم صادره علیه این وکیل مبارز بودند.

این روزها اما تنها بازنشستگان تأمین اجتماعی پای ثابت اعتراضات خیابانی نیستند. بازنشستگان لشگری، بازنشستگان کشوری و منجمله بازنشستگان آموزش و پرورش نیز وضعیت بهتری از بازنشستگان تأمین اجتماعی ندارند. فشارها و تنگناهای اقتصادی و معیشتی چنان شدید و گسترده است که تقریباً عموم بازنشستگان را راهی خیابان نموده است. سنگینی و تشدید و تمرکز فشار بردوش این اقشار زحمتکش، به ناگزیر صف این زحمتکشان را نیز متراکم‌تر و متمرکزتر می‌سازد. پایین بودن مبلغ مستمری و ناکارآمدی بیمه‌ها از جمله مواردی است که تمام بازنشستگان از آن رنج می‌برند و بدون استثنا همه بازنشستگان خواهان افزایش مستمری‌ها، بهبود وضعیت بیمه‌ها و خدمات درمانی و همسان‌سازی حقوق‌ها هستند و از همین‌جاست که شاهد اتحاد عمل‌های مبارزاتی میان این اقشار هستیم. روز نهم اسفند سال گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی، لشگری و کشوری حول همین خواست‌ها یک تجمع مشترک و سراسری در ۱۳ استان برگزار نمودند. این تجمع در شهر تهران مورد بورش وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفت و نزدیک به ۱۰۰ نفر از بازنشستگان دستگیر شدند.

این نخستین تجربه اتحاد عمل میان بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و لشگری بود و بعد از آن اگرچه اتحاد عمل بازنشستگان در این ابعاد تکرار نشده است اما نمونه‌های دیگری از همراهی و اتحاد عمل را شاهد بوده‌ایم که جملگی نشانگر تلاش فعالان و پیشروان این عرصه



## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



### حمله نظامی جمهوری اسلامی به کردستان را شدیداً محکوم میکنیم

به دنبال اعزام کاروانهای نظامی سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی به منطقه جنوب کردستان در چند روز گذشته، مناطق وسیعی از بخش کوهستانی کوسالان در کردستان با پهنادهای جنگی رژیم مورد حمله قرار گرفته است. روز ۱۶ ژوئن یک کاروان نظامی شامل ادوات سنگین سپاه پاسداران در اطراف سروآباد بطور متوالی چند روستا و از جمله ارتفاعات کوهستان شاهو را توپ باران کرد. ظهر همان روز نیز کاروان نظامی سپاه همراه با چندین دستگاه بولدوزر به سوی این منطقه حرکت کرده و در بلندیهای آنجا مستقر شده اند. اخبار دستگیری و اذیت و آزار مردم توسط نیروهای سپاه پاسداران روزانه منتشر می شود و رژیم حکومت نظامی اعلام نشده در شهرها و روستاها و به ویژه در مناطق مرزی کردستان برقرار کرده است.

جمهوری اسلامی به بهانه های مختلف از جمله کنترل فعالیت نیروهای سیاسی کرد در منطقه، روزانه به سرکوب مبارزات جنبشهای اجتماعی و کارگران و مردم زحمتکش کردستان دست می زند اما نمیتواند صدای آزادیخواهانه و اعتراضات آنان را خاموش سازد. دیدیم که روز سه شنبه ۲۳ خرداد مردم مبارز سفر در اعتراض به اقدام رژیم در ایجاد تغییراتی در اطراف آرامگاه " مهسا ژینا امینی"، با بستن مغازه ها و دست از کار کشیدن یک اعتصاب عمومی را در شهر پیش بردند و به رژیم اسلامی اخطار دادند که در مقابل تعرضات رژیم کوتاه نخواهند آمد.

اخبار این تحریکات زیان آور و حملات نظامی رژیم هر انسان آزاده و مبارزی را به تلاش برای مقابله با رژیم و همبستگی با مردم در کردستان واداشته است. پایان دادن به عمر این رژیم ننگین از طریق انقلاب و قیام همگانی همچنان خواست میرم جنبشهای اجتماعی چون کارگران، زنان و جوانان بوده که عزم و اراده آنها را در تقابل با جمهوری اسلامی چند برابر کرده است. این در حالیست که جریانات ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی در مقابل همه این جنایات آشکارا سکوت کرده اند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست حرکات نظامی، بمبارانهای رژیم و اذیت و آزار مردم کردستان را شدیداً محکوم میکند و خود را در کنار مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان می بیند. همگام با مردم کردستان و در پیوند با مبارزات سراسری به مبارزات خود علیه کلیت حکومت اسلامی سرمایه تا سرنگونی انقلابی این رژیم ضد انسانی ادامه خواهد داد.

### سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۸ خرداد ۱۴۰۲

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

فعالان پیشرو و آگاه جنبش اعتراضی بازنشستگان بخشهای مختلف می توانند از طریق ایجاد پیوند و ارتباط فعال با یکدیگر، این مبارزات را هماهنگ کنند، تجمعات خیابانی مشترکی را برگزار نمایند و اتحاد عملهای بزرگی را سازمان دهند. اگر شعار " ما همه همبسته ایم، از وعده ها خسته ایم" که در تجمع سراسری اخیر بازنشستگان مطرح شد، حقیقتی را بیان می کند، اگر این حقیقت دارد که همگی ما بازنشستگان از این وضعیت به ستوه آمده ایم و خواهان تغییر آن هستیم و اگر این نیز حقیقت دارد که ما همه همبسته ایم، پس بی درنگ باید به این همبستگی جامه عمل پوشانیم، خود را سازمان دهیم، متشکل تر وارد عرصه مبارزه شویم و اتحاد عملهای مبارزاتی گسترده تری را در مقیاس سراسری سازمان دهیم.

اعتراضات پرشور آنان در کف خیابان تاکنون نتایج مطلوبی به بار نیاورده است. دولت ارتجاعی حاکم تاکنون هیچ اعتنایی به مشکلات و وضعیت معیشتی میلیون ها بازنشسته نکرده و به خواست هایشان پاسخ نداده است. بنابراین جویبارهای متعدد و پراکنده مبارزه را باید به هم متصل کرد و اتحاد عملهای واقعی و بزرگ در کف خیابان را سازمان داد. در برابر رود خروشان که از اتحاد عمل مبارزات میلیون ها بازنشسته در بخشهای مختلف برپا شود و اگر که این اتحاد عمل، میلیون ها تن را در سراسر کشور به خیابان بکشاند، دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند به بی اعتنایی ادامه دهد و از کنار موضوع بگذرد. نمونه های محدود و پراکنده ای از این نوع اتحاد عمل را شاهد بوده ایم که هنوز در مراحل اولیه و فاقد نظم و محروم از یک رهبری متشکل و واحد بوده اند.

## " ما همه همبسته ایم، از وعده ها خسته ایم "



معوقات از زمان خصوصی سازی شرکت شدند. میلیون ها بازنشسته در شرایط حاضر در تنگنای اقتصادی و معیشتی به سر می برند. مستمری ها بدون استثناء زیرخط فقر است و عموم بازنشستگان زندگی فقیرانه ای دارند. وضعیت خدمات درمانی و پوشش های بیمه ای به شدت نارساست و بازنشستگان که در سنین بازنشستگی نیاز بیشتری به پزشک و درمان و دارو دارند، از این بابت نیز به طور روزمره بادهای مشکل روبرو هستند. نارضایتی در میان بازنشستگان بسیار شدید است. شرایط به گونه ای درآمده است که خیابان به کوتاه ترین و مستقیم ترین راه برای طرح خواست ها تبدیل شده است.

علی رغم برخی تفاوت ها و با خواست های ویژه ای که ممکن است در هر بخش از بازنشستگان وجود داشته باشد، اما این واقعیتی غیرقابل انکار است که به همه آنها ظلم و حق همشان پایمال شده است. بیمه ها به کلی ناکارآمد و مستمری ها ناچیز و پاسخگوی نیازها نیست. "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه" شعار همه بازنشستگان است. بازنشستگان طی سالیان متمادی برای رسیدن به خواست های خود به اشکال مختلفی تلاش نموده اند، به نهادها و مقامات دولتی مراجعه نموده و خلاصه به هر دری



زده اند، اما پاسخگویی پیدا نشده است و چنین است که کف خیابان را برگزیده و آن را رها نمی کنند. " تنها کف خیابون، به دست میاد حقمون"، " تا حق خود نگیریم، آرام نمی نشینیم" شعارهایی هستند که امروز بر زبان تمام بازنشستگان جاری است. این شعارهای مشترک و شعارهای دیگری نظیر آن، نشانه خواست های مشترک و برخاسته از موقعیت مشترک و انگیزه مبارزات مستمر بازنشستگان است. مبارزات مستمر اما جداجدای بازنشستگان و

## تلاش ارتجاع حاکم برای سرپوش گذاشتن بر ابعاد میلیونی کودکان کار



تحصیل می‌کنند، فرزندان کارگران، مردم زحمتکش و فقیر هستند که باید تأمین‌کننده بخشی از هزینه‌های روزمره خانواده خود شوند. فعلاً کودکان بدون شناسنامه و کودکان زیر شش سال را کنار می‌گذاریم و به همین ترک تحصیل‌کرده‌ها بپردازیم.

بر طبق گزارش‌های مراکز رسمی دولتی، به‌طور متوسط در هر سال رقمی نزدیک به یک‌میلیون کودک در سن تحصیل یا اساساً به مدرسه نمی‌روند، یا در اواسط دوره ابتدایی و متوسطه ترک تحصیل می‌کنند.

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ۵ دی ۱۴۰۱، گفت: یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بازمانده از تحصیل در کشور شناسایی شده است. بر طبق گزارش سازمان جهانی یونسف تعداد کودکان ۶ تا ۱۶ ساله بازمانده از تحصیل در ایران در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بیش از ۷۷۰ هزار نفر بوده و این آمار بدون در نظر گرفتن کودکان افغانستانی بازمانده از تحصیل است.

سال ۱۴۰۱، مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل را در یک سال پیش از آن، ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ کودک یا نوجوان اعلام کرد. بنابراین می‌توان از همین آمار کودکانی که در هر سال ترک تحصیل می‌کنند دریافت که آمار ۷ میلیونی کودکان کار رقمی نزدیک به واقعیت است.

این جمعیت حدود یک‌میلیونی از پسران و دخترانی که به گفته همین مرکز پژوهش‌های مجلس تعدادشان سال به سال افزایش می‌یابد و هر سال ترک تحصیل می‌کنند و برخلاف اظهار نظر مقامات نژادپرست دولتی "اتباع بیگانه" هم نیستند، پس از ترک تحصیل چه می‌کنند؟ روشن است در کشوری که ۸۰ درصد جمعیت زیرخط فقر قرار دارند و حدود ۲۰ میلیون فقیر و گرسنه‌اند، پی کار کردن می‌روند و تبدیل به کودک کار در کارگاه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی زیرزمینی و روزمینی می‌شوند. این کودکان محروم از هرگونه حقوق و بدون هرگونه پشتوانه قانونی در وحشتناک‌ترین شکل ممکن به کار واداشته می‌شوند و استثمار می‌شوند. دولتی‌ها گاه فقط از کودکانی صحبت می‌کنند که توسط باند‌ها در خیابان‌ها به کار واداشته می‌شوند، مورد انواع آزارهای جنسی و روحی قرار می‌گیرند و دستمزد ناچیزی به آن‌ها پرداخت می‌شود. اما این‌که در کارگاه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی

در صفحه ۶

این آمارها و موضع‌گیری‌های دولتی بیش از آن‌که بتواند بر ابعاد هولناک کودکان کار و سرمنشأ آن، سرپوش بگذارد و چهره کریه نظم حاکم بر ایران را بزک کند، رسواکننده دروغ‌های پاسداران این نظم است.

نخست این‌که این مراکز وقتی از کودک کار صحبت می‌کنند، برای آن‌ها کودکان کار همان کودکانی هستند که هم‌روزه در خیابان‌های شهرهای بزرگ ایران می‌بینیم. اما کودکان کار خیابانی که جلو چشم همه هستند، یک جزء بسیار کوچک از جمعیت چندین میلیونی کودک کارند که ظاهراً کسی آن‌ها را نمی‌بیند. آنچه دیده می‌شود، ده‌ها هزار کودکی است که در خیابان‌ها به کار دست‌فروشی، فال فروشی، گل‌فروشی، شیشه‌پاک‌کنی، وزن‌کشی، اسفند دود کنی، ساززنی، زباله گردی، جمع‌آوری ضایعات آهن و پلاستیک و غیره مشغول‌اند.

آنچه دیده نمی‌شود میلیون‌ها کودک ۵ تا ۱۸ است که در کارگاه‌های تولیدی و خدماتی علنی و زیرزمینی از نمونه قالی‌بافی، چاپخانه، قالب‌سازی، میل‌سازی، نجاری، شیشه و بلورسازی، تولید قطعات صنعتی و محصولات موردنیاز صنایع بزرگ، صنایع تبدیلی کشاورزی، شیرینی سازی، نانوانی، مراکز زباله‌سوزی، طلا سازی، تولیدی‌های پوشاک، بافندگی، دوزندگی، پرس‌کاری، تعمیرکاری و مکانیکی، سیمان، کارگاه بازیافت زباله، تولید مواد غذایی، بسته‌بندی‌ها، کفشی، چرم، کیف دوزی، کورمیز خانه‌ها، گلخانه‌ها، انبازها، دامداری، پرورش و فراوری طیور، شیلات و آبزیان، کشاورزی، ساختمان، معادن، کول بری، سوخت بری، شاگردی در واحدهای صنفی خدماتی و توزیعی و خلاصه در همه‌جا به‌استثنای کارخانه‌ها و مؤسسات خدماتی بزرگ، مشغول به کارند.



جمعیت این کودکان کار در ایران چقدر است. آمار رسمی و قطعی وجود ندارد. گاه منابع غیررسمی و تحقیقاتی آماری ارائه داده‌اند. می‌گویند تعداد کودکان کار رقمی بین ۳ تا ۷ میلیون برآورد می‌شود. سال ۹۶ یک نماینده مجلس، رقم ۷ میلیون را اعلام کرد. سال ۹۸ شهردار تهران گفت تعداد کودکان کار بیش از سه میلیون تخمین زده می‌شود. بنابراین تنها از راه غیرمستقیم می‌توان یک برآورد از تعداد این کودکان داشت. باید دید چه تعداد از کودکان در سنین ۶ تا ۱۸ سال در هر سال از تحصیل بازمانده‌اند. چراکه تمام این کودکانی که ترک

مسئولان برخی دستگاه‌های دولتی که ظاهراً یکی از وظایف آن‌ها به نحوی مرتبط با کودکان کار است، در هر سال یک روز یادشان می‌آید که در جامعه ایران پدیده‌ای به نام کودکان کار وجود دارد، با رسانه‌های دولتی پیرامون این معضل جامعه ایران گفتگو می‌کنند تا با ارائه مثنی آمار کذب، یک مسئله بزرگ اجتماعی نظام سرمایه‌داری ایران را با این آمار، کوچک جلوه داده و منشأ آن را هم به خارج از ایران ربط دهند.

امسال هم رئیس کمیته سلامت شورای شهر تهران به مناسبت روز جهانی مبارزه با کار کودک (۱۲ ژوئن) در این مورد اظهار نظر کرد و گفت: "یکی از مشکلات شهر تهران، کودکان



خیابان و کار است. این کودکان دچار مشکلات جسمی و روحی می‌شوند و از سویی دیگر حضور آن‌ها در خیابان‌ها مشکلاتی برای شهروندان ایجاد می‌کند. باوجود تعداد متولیان متعدد، آمار کودکان کار در کشور و به‌ویژه در شهر تهران روزبه‌روز در حال افزایش است. ۷۰ هزار کودک کار در خیابان‌های تهران وجود دارد که ۸۰ درصد از این افراد ایرانی نیستند. وی افزود: "چرا اجازه ورود اتباع خارجی به‌عنوان کودکان کار داده می‌شود و خواستار "مقابله با ورود کودکان کار خارجی و برخورد قاطعانه با باند‌های کودکان کار در تهران شد."

دو ماه پیش نیز سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در گفتگو با ایسنا گفته بود: "بر اساس آخرین پیش‌بینی‌های انجام‌شده، در مجموع حدود ۱۲۰ هزار کودک کار در کشور وجود دارد."

همه مقامات دستگاه‌های ذی‌ربط، همواره یک آمار و اظهار نظر دست‌بند در اختیار دارند و می‌گویند: حداکثر تعداد کودکان کار در ایران ۱۲۰ هزار مورد است. ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر از آن‌ها در تهران هستند. ۷۰ تا ۸۰ درصد این کودکان نیز ایرانی نیستند و راحل هم سهل و ساده است: پلیس و شهرداری آن‌ها را از خیابان‌ها جمع کنند و با ورود کودکان "اتباع خارجی" مقابله شود.

البته در کشوری که کودکان را در خیابان‌ها به گلوله می‌بندند، کودکان کار خیابانی را به‌عنوان مجرم دستگیر می‌کنند و در قرنطینه به‌نوعی در زندان نگه می‌دارند، در کشوری که هر سال حدود یک‌میلیون کودک از فرط فقر، ترک تحصیل می‌کنند و آمار کودکان کار جزء اسرار دولتی محسوب می‌شود، چیزی جز این آمار قلابی و غیرواقعی نمی‌توان از این حقوق‌بگیران نظام استبدادی انتظار داشت.



## تلاش ارتجاع حاکم برای سرپوش گذاشتن بر ابعاد میلیونی کودکان کار



زیرزمینی و علنی چه بر سر این کودکان می‌آید، چگونه آزار می‌بینند، کتک می‌خورند، حتی مورد تجاوز قرار می‌گیرند و به چه شکل وحشیانه‌ای استثمار می‌شوند، جسم و جانشان تباه می‌شود و از همان دوران کودکی به انواع بیماری‌ها مبتلا می‌شوند، مطلقاً چیزی نمی‌گویند. چون از اساس وجود این جمعیت چندمیلیونی را انکار کرده‌اند. تنها در موارد بسیار استثنائی گزارش‌هایی از این کودکان در برخی نشریات دیده می‌شود.

یک نمونه آن گزارشی است که چند ماه پیش روزنامه شرق تحت عنوان "گزارش میدانی «شرق» از کار کودکان در کارگاه‌های زیرزمینی و آسیب‌های فجیع ناشی از آن" از کارگاه‌های بلورسازی انتشار داد و شرایط فاجعه‌بار این کودکان را در یک نمونه آن نشان داد: "زهرای پیمان یکی از پژوهشگران کودکان کار در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید:

"وضعیت در کارگاه‌های بلور بسیار وحشتناک است، هیچ‌گونه وسیله ایمنی‌ای هم ندارند. این بچه‌ها در کوره با دمایی بین ۸۰۰ تا ۱۴۰۰ درجه حرارت کار می‌کنند، برخی از بچه‌ها هم جلوی کوره نیستند ولی شیشه را از کوره درمی‌آورند و به‌سرعت باید این کار را انجام دهند که همین خیلی وقت‌ها منجر به حادثه می‌شود. بدون هیچ وسیله‌ای و با دمپایی در کارگاه کار می‌کنند و گاهی شیشه‌ها روی دمپایی آن‌ها می‌ریزد. این بچه‌ها انواع آسیب را آنجا می‌بینند؛ حتی بین آن‌ها آسیب چشم‌داشتیم که مواد به داخل چشمش افتاده و کامل از بین رفته. بریدگی‌های بسیار وحشتناک، سوختگی‌های زیاد روی صورت، دست و گردن همه در شرایط کاری این بچه‌ها وجود دارد. معمولاً از شش صبح تا هفت بعدازظهر چیزی حدود ۱۰ یا ۱۲ ساعت کار می‌کنند. این بچه‌ها تعطیلات هم سرکار می‌روند و هیچ زمان استراحتی ندارند... این‌ها در حالی است که دستمزد زیادی هم ندارند. طبق بررسی ما که البته برای سال گذشته است، دستمزد بچه‌ها معمولاً هفته‌ای ۴۰۰ هزار تومان بوده یعنی بین ۳۲۰ تا ۴۵۰ هزار تومان متغیر بود که به سابقه کاری و سن و سال مربوط می‌شود. در کنارش چیزی که اهمیت دارد این است که بچه‌ها دیگر هیچ زمانی برای تفریح ندارند، مگر اینکه آخر شب باهم فوتبالی بازی کنند اما به‌طور کلی اوقات فراغتی ندارند؛ چون حتی روزهای تعطیل هم باید کار کنند. صدمات جسمی این بچه‌ها بسیار زیاد است؛ دست‌وپاهایشان می‌سوزد، کیسول یا شیشه روی پاهایشان می‌افتد و بدون لباس ایمن در کارگاه کار می‌کنند. حتی در مواردی هم اگر درست کار نکنند، توسط کارفرما کتک می‌خورند."

چرا این بچه‌ها مشغول به کار می‌شوند و مادران و پدران آن‌ها تحمل و گاه تشویق می‌کنند؟ پاسخ این سؤال برکسی پوشیده نیست. از هرکس که سؤال کنید خواهد گفت، فقر فراگیر جامعه، فقر، بیکاری و گرسنگی در جامعه ایران به درجه‌ای است که خانواده‌های کارگر و زحمتکش نمانند نمی‌توانند هزینه‌های تحصیل فرزندانشان

## آرامستان "آیچی" میعادگاه دیگری برای خانواده‌های جانفشاندگان

جوانان بلوچ را در پیش گرفته‌اند. با این همه و به رغم تشدید سرکوب، آنچه در جامعه جاریست، همانا شیوه‌های مختلف مبارزه علیه حاکمان فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی است. توده‌های مردم ایران بی توجه به گسترش ابعاد سرکوب رژیم، با روی آوری به اشکال مختلف مبارزه که هم اینک در جای جای کشور جاریست، هیئت حاکمه را ناتوان و مستاصل کرده‌اند.

اوضاع کنونی جامعه ما به گونه سال‌های دهه ۶۰ نیست که جمهوری اسلامی بتواند با تکیه بر سر نیزه جامعه را مرعوب و به سکون بکشاند. در شرایط کنونی، توده‌ها از دیوار سرکوب عبور کرده‌اند. زنان با مبارزات دلیرانه خود رژیم را به سردرگمی کشانده‌اند. رشد شبکه‌های اجتماعی و سرعت خبررسانی، جمهوری اسلامی را در مدیریت کردن اخبار جعلی ناتوان کرده است. بر خلاف دهه ۶۰، هر اقدام سرکوبگرانه رژیم، ساعتی بعد در مقابل چشم جهان و جهانیان قرار می‌گیرد. انتقال درست خبر، سرعت انتشار مبارزات مردم و سرعت اطلاع رسانی از فجایع و جنایات جمهوری اسلامی، سران رژیم را به استیصال کشانده است. اکنون کمتر مادری از مادران جانفشانده را می‌توان یافت که از تهدیدات رژیم در هراس باشد. کمتر پدری را می‌توان یافت که از ایستادن به پای فرزند جانفشانده خود بترسد. شجاعت مادران و پدران و ایستادگی آنان در مقابل تهدیدات رژیم، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را مستاصل کرده است. همدردی خانواده‌ها با هم و ایستادگی آنان در کنار هم، جلوه‌های باشکوهی از تقویت و همدلی مبارزاتی را در جامعه گسترانده است.

تمامی این مختصات به ما می‌گوید که موقعیت کنونی جامعه به کلی متفاوت با دهه‌های گذشته است. اکنون روند مبارزاتی توده‌های مردم ایران فراتر از آن است که رژیم بخواهد و با بتواند با توسل به سرکوب و بازداشت و اعدام و بگیر و ببند، جامعه را مرعوب و توده‌ها را از پیشروی به سوی انقلاب باز دارد. موقعیت انقلابی موجود در جامعه، فقر و گرانی روز افزون، نارضایتی عمومی مردم، ناتوانی رژیم و شکست سیاست‌های آن در تمام عرصه‌ها، شرایط دیگری را برای کارگران و زنان و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و سایر اقشار مردم رقم زده است. بر بستر مجموعه چنین شرایطی است که وقتی خبر ایجاد تغییرات و محدود سازی در اطراف مزار ژینا در آرامستان "آیچی" انعکاس یافت، خانواده‌ها از شهرهای سنجند و دیواندره و دهگلان به بوکان و سقر رفتند و از آنجا با جمع وسیعتری بر مزار ژینا امینی حضور یافتند. مزاری که اکنون همراه با هزاران مزار با نام و بی نام دیگر جانفشاندگان سال‌های اخیر به میعادگاه دیگری برای خانواده‌های مبارزان تبدیل شده است.

را تأمین کنند، بلکه حتی نمی‌توانند خوردوخوراک روزمره خود را تهیه کنند. بنابراین کودکان جبراً باید مشغول به کار شوند تا کم‌کم خرج خانواده خود باشند. درست است که در ایران به علت ابعاد گسترده فقر، فراوانی کارگاه‌های کوچکی که هیچ‌گونه نظارتی بر آن‌ها در یک کشور استبدادی وجود ندارد و بی حقوقی کارگران، ابعاد کودکان کار بسیار گسترده است تا جایی که بخشی از آن‌ها در خیابان‌ها جلو چشم همه حضور دارند، اما در اساس، کودک کار جزء جدائی‌ناپذیر نظام سرمایه‌داری است. چراکه نیروی کاری بسیار ارزان است. سرمایه‌دار و کارفرمائی که در پی کسب حداکثر سود است، همان‌گونه که در نمونه گزارش شرق دیدیم به‌جای استخدام کارگر، کودک کار را قرار می‌دهد، یک دستمزد بسیار ناچیز به این کودک می‌پردازد، کمترین هزینه جانی که به یک کارگر معمولی تعلق می‌گیرد، به این کودک تعلق نمی‌گیرد، چون هیچ حق‌و حقوقی ندارد. ساعات بیشتری به کار واداشته می‌شود. اغلب بیش از یک کارگر معمولی رسمی و غیررسمی استثمار می‌شود و در نتیجه سود بیشتری عاید سرمایه‌دار می‌گردد. اگر هم در تعداد کمی از کشورهای جهان استفاده از کار کودک بسیار محدود شده یا در موارد استثنائی وجود ندارد، نتیجه مبارزه طبقه کارگر آن کشورها و تشکلهای کارگری است، که این هم در کشورهای استبدادی از نمونه ایران اصلاً وجود ندارد. دستورالعمل‌ها و اقدامات برخی سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان بین‌المللی کار که روزی راه هم به نام روز مبارزه با کار کودک تعیین کرده‌اند، بیشتر فرمالیته است و تأثیری جدی در این مسئله نداشته و نخواهد داشت. اگر تأثیری می‌داشت، کار کودک در ایران لااقل این ابعاد چندین میلیونی را نداشت. برای برانداختن کار کودک و کودکان کار باید نظام سرمایه‌داری را برانداخت. در نظام سرمایه‌داری البته می‌شود با مبارزه کارگران، کار کودک را محدود کرد، گرچه درجایی که استبداد و دیکتاتوری عریان طبقه سرمایه‌دار حاکم است، همین نیز ممکن نیست. سازمان ما که هدف فوری خود را سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی در ایران قرار داده است، در برنامه مطالبات فوری خود نه‌فقط خواستار ممنوعیت بی‌قیدوشرط کار کودکان و ممنوعیت استخدام کودکان و نوجوانان در سنین تحصیل زیر ۱۸ سال شده، بلکه خواستار آموزش اجباری رایگان تا پایان دوره متوسطه است.

## از هم گسیختگی اوضاع اقتصادی و بحران معیشت

رویگردان شده‌اند.

به‌واسطه ماشین‌آلات فرسوده، هزینه‌های تولید به مراتب افزایش یافته و میانگین عمر ماشین‌آلات معدنی و تجهیزات مصرفی در کشور به ۲۰ تا ۳۰ سال رسیده است. تنها در بخش معدن کشور حدود ۳۰ هزار دستگاه ماشین‌آلات معدنی وجود دارد که بیش از ۶۰ درصد آنها فرسوده است و با بهرهوری پایین و مصرف سوخت بالا کار می‌کنند و براساس محاسبات، دست‌کم ۱۵ هزار دستگاه ماشین‌آلات جدید برای جایگزینی آنها و رفع نیاز کشور وجود دارد.

بخش مسکن نیز در رکود شدیدی بسر می‌برد، به‌طوری که میزان ساخت مسکن هیچ‌گاه تا این اندازه پایین نبوده است. محتشم عضو هیات مدیره انجمن انبوه‌سازان با اشاره به تورم بی‌سابقه از جمله افزایش ۵۰۰ تا ۶۰۰ درصدی فولاد و برخی دیگر از کالاهای مورد نیاز بخش مسکن گفت: "ساخت و ساز در تهران در دو سه سال اخیر به یک سوم کاهش یافته است".

وضعیت تولید دارو نیز فاجعه‌بار است و برخی از خطوط تولید دارو در برخی از کارخانجات به دلایلی از جمله نبود مواد اولیه و گران بودن هزینه واردات و غیره تعطیل و یا در حال تعطیل شدن هستند.

تولید گوشت و محصولات لبنی نیز نسبت به سال گذشته کاهش محسوسی داشته است. براساس آمارهای سازمان جهانی خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تولید شیر و محصولات لبنی ۲۶۸ هزار تن و گوشت ۳۰ هزار تن در سال گذشته کاهش داشته است.

افزایش بهای لبنیات و گوشت به دلیل تورم بالا و کاهش قدرت خرید مردم از دلایل بسیار مهم این کاهش در کنار عواملی دیگر همچون کاهش قدرت رقابت صادراتی در برابر رقیبای قدرتمندی همچون ترکیه هستند. تنها در طول سال گذشته میزان مصرف گوشت قرمز ۵۰ درصد و مرغ ۳۰ درصد کاهش یافته است. همچنین به اعتراف روزنامه همشهری متعلق به شهرداری تهران، از ابتدای سال‌جاری تاکنون قیمت انواع مواد لبنی به‌طور متوسط بیش از ۴۰ درصد افزایش داشته و بعضی از اقلام تا ۴۰ هزار تومان افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند.

رکود و کاهش قدرت خرید مردم، بسیاری از کارخانجات و بویژه اصناف کوچک را تحت فشار و خطر ورشکستگی قرار داده است. برای نمونه به‌نوشته‌ی روزنامه اعتماد بهای یک پرس چلوکباب با نوشابه در فاصله ۲۰ ماه به ۲۰۰ درصد افزایش از ۸۷ هزار تومان به ۲۵۹ هزار تومان رسیده است. طبیعی‌ست که با این وضعیت اقتصادی بسیاری از مردم دیگر قدرت رستوران رفتن را از دست داده‌اند. بهای یک کیلو بستنی به ۱۷۰ هزار تومان رسیده است. بسیاری از مردم بویژه در مناطقی همچون بلوچستان حتا قدرت خرید نان را از دست داده‌اند و صد البته باید تاکید کرد که سیاست جدید جمهوری اسلامی در رابطه با توزیع نان و آرد یارانه‌ای سیاستی به تمام معنا کثیف و جنایتکارانه است که مردم را مستقیماً به مرگ از گرسنگی محکوم کرده است.

دبیر انجمن بیسکویت، شربنی و شکلات نیز با اشاره به وضعیت فاجعه‌بار بازار می‌گوید: "شکر نایاب است و کارخانه‌های ما شدیداً درگیر تهیه شکر هستند. نرخ مصوب عمده‌فروشی شکر ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام شده است که با این نرخ هم اصلاً شکر در بازار نیست. در این میان، هر کسی با هر قیمتی که بتواند شکر می‌فروشد و کارخانه‌ها مجبورند برای اینکه کارشان لنگ نماند و تعطیل نشوند آن را خریداری کنند... بازار ما امسال نسبت به سال‌های قبل ۳۰ تا ۴۰ درصد ضعیف شده است". هم اکنون قیمت عمده فروشی شکر به کیلویی ۴۰ هزار تومان و در بازار آزاد به ۵۰ هزار تومان رسیده است.

یکی از نتایج گسترش فقر و بیکاری و معضلاتی همچون نداشتن مسکن مناسب، گسترش حاشیه‌نشینی و افزایش نابسامانی‌های اجتماعی در اشکال گوناگون آن است. برای نمونه براساس آمارهای دولتی، میزان سرقت در ۵ سال گذشته ۴ برابر شده است و بعد از مصرف "مواد مخدر" دومین جرم عمده از زاویه قوانین جمهوری اسلامی است. به گفته‌ی رئیس پلیس آگاهی نیروی انتظامی در جریان عملیات این نیروی سرکوب از ۲۵ بهمن تا ۱۹ اسفند، بیش از ۲۵ هزار سارق دستگیر شدند. این معضلات نشان می‌دهند که جامعه در چه بحران عمیقی در حال غرق شدن است.

توجه به این نکته نیز مهم است که شتاب بی‌سابقه‌ی بحران اقتصادی رکود - تورمی در حالی اتفاق افتاد که درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی در سال گذشته نسبت به چند سال اخیر بالاتر بوده است. به گزارش مرکز داده‌های کپلر (Kpler)، صادرات نفت خام ایران در ماه مه سال جاری از ۱/۵ میلیون بشکه در روز فراتر رفت که بالاترین میزان از سال ۲۰۱۸ به بعد (قبل از خروج ترامپ از برجام) می‌باشد که صادرات نفت به حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود.

با توجه به آنچه که در بالا آمد، می‌توان به نتایجی چند در رابطه با وضعیت اقتصادی کشور رسید.

۱ - دره‌ی عمیقی بین درآمدهای اکثریت بزرگ جامعه با هزینه‌های‌شان بوجود آمده است و بویژه در سال جاری انتظار می‌رود شکاف بین درآمدها و هزینه‌ها با شتابی بیش از پیش عمیق‌تر شود که ضمن کاهش قدرت خرید مردم، بخش‌های دیگری از مردم به زیر خط فقر رانده خواهند شد. در این شرایط گرسنگی، حیات و

زندگی بخش بزرگی از مردم را تهدید خواهد کرد.

۲ - در اثر کاهش درآمد و قدرت خرید مردم، بسیاری از صنایع، بویژه کارگاه‌های کوچک، رستوران‌ها و غیره در خطر ورشکستگی و تعطیلی قرار گرفته‌اند. این موضوع باعث تشدید رکود و افزایش بیکاری خواهد بود و بسیاری از کاسبکاران خرد را به زیرخط فقر خواهد راند.

۳ - رشد منفی سرمایه‌گذاری ثابت در بخش صنعت، کاهش محصولات کشاورزی و رکود در بخش مسکن از دیگر عوامل تشدید رکود و افزایش بیکاری و فقر می‌باشند.

۴ - کاهش تولیدات کشاورزی و صنعتی، نیاز به واردات (بویژه کالاهای اساسی) را به بیش از ۴۰ درصد نیازهای کشور رسانده است که بخش قابل توجه‌ای از درآمدهای دلاری حاصل از فروش نفت و مشتقات آن برای جلوگیری از انفجار توده‌ای می‌باید به واردات آن‌ها اختصاص یابد.

۵ - تشدید رکود در بخش‌های کشاورزی، صنعتی، مسکن و کاهش تقاضا و قدرت خرید مردم، به‌نوبه‌ی خود باعث تشدید رکود در بخش خدمات و کاهش نیروی کار در این بخش خواهد شد.

۶ - فساد گسترده و سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی نه تنها منجر به افزایش شتاب و تعمیق بحران اقتصادی رکود - تورمی شده است، بلکه به دلیل نیازهای مالی حکومت برای تامین هزینه‌های ماجراجویی‌های نظامی، دستگاه گسترده‌ی سرکوب و نهادهای مفت‌خور مذهبی، بار بحران به‌شکلی بی‌سابقه بر دوش کارگران و زحمتکشان انداخته شده است. افزایش تنها ۲۰ درصدی حقوق‌ها در برابر تورم سه رقی (به اعتراف اقتصاددانان خودشان) یکی از نمونه‌های بارز این سیاست است.

۷ - افزایش درآمدهای نفتی نیز همان‌طور که نماینده مجلس اسلامی به آن اعتراف کرد، نمی‌تواند پاسخ چاه ویل جمهوری اسلامی را بدهد. ضمن آن‌که بحران اقتصادی رکود - تورمی یک بحران ساختاری سرمایه‌داری ایران است که رونمای سیاسی متعلق به دوران سپری شده‌ی تاریخی (جمهوری اسلامی) بر شدت و شتاب آن افزوده است.

با توجه به مجموعه‌ی آن چه که در بالا آمد و نتایجی که از آن می‌توان گرفت، به این واقعیت غیرقابل تردید خواهیم رسید که حل معضلات اقتصادی و بویژه مشکلات معیشتی، فقر و بیکاری توده‌های ستم دیده‌ی ایران تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی ممکن است. حکومتی که با اقدامات رادیکال اقتصادی زمینه را برای گذار به سوسیالیسم و زیرورو کردن نظم پوسیده‌ی سرمایه‌داری حاکم بر ایران فراهم خواهد ساخت.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با  
یک اعتصاب عمومی سیاسی  
و قیام مسلحانه برانداخت**

## از هم گسیختگی اوضاع اقتصادی و بحران معیشت

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1025 June 2023

شده است. در مرداد ۱۴۰۰ یعنی از زمان انتصاب رئیسی به عنوان ساکن‌دار کابینه، نقدینگی از ۳ تریلیون و ۹۰۰ هزار میلیارد تومان به ۷ تریلیون تومان رسیده است. بخش کشاورزی به دلیل سیاست‌های فاجعه‌بار آبی رژیم و عدم سرمایه‌گذاری در این امور با کاهش شدید تولید، خشک شدن باغات و زمین‌های کشاورزی روبروست که منجر به افزایش مهاجرت به حاشیه شهرها شده است. به‌اعتراف مدیرکل امور بیابان سازمان منابع طبیعی سالانه یک میلیون هکتار به بیابان‌های کشور افزوده می‌شود. براساس آمارهای رسمی، "برای تامین امنیت غذایی، به واردات ۴۰ تا ۴۵ درصدی کالاهای اساسی نیاز است".

وضعیت بخش صنعت نیز بر همین منوال است. براساس گزارش روزنامه "دنیای اقتصاد" (شنبه ۲۷ خرداد)، تشکیل سرمایه به ویژه در بخش ماشین‌آلات کمتر از میزان استهلاك آن‌ها بوده است. به‌نوشته‌ی این روزنامه "بررسی‌ها نشان می‌دهد که سهم انباشت سرمایه در ماشین‌آلات طی سال‌های اخیر روند کاهشی داشته و به همان اندازه که حال و روز اقتصاد و وضعیت تولید مساعد نبوده و فعالان اقتصادی و تولیدکننده‌ها چشم‌انداز مثبتی برای ادامه فعالیت در بخش مولد اقتصاد نمی‌دیدند، سرمایه‌ها از این بخش درصافه ۷

(و حداقل بگیرها ۲۷ درصد) افزایش یافت. اگر حتی همان خط فقر ۳۰ میلیون تومانی اعلام شده از سوی نماینده مجلس اسلامی را در نظر بگیریم، حداقل حقوق که شامل میلیون‌ها کارگر و معلم و بازنشسته می‌شود کمتر از ۲۰ درصد هزینه‌های ضروری یک خانوار را تامین می‌کند. این یعنی محکوم کردن بخش بزرگی از جامعه به مرگ از گرسنگی.

جمهوری اسلامی در حالی از تحریم به‌عنوان عامل "مهم" معضلات معیشتی مردم نام می‌برد که این تحریم‌ها حتی از زبان اقتصاددانان حکومتی نیز تاثیر چندانی بر بحران اقتصادی رکود - تورمی و وخامت وضعیت معیشتی مردم ندارند. همان‌طور که این تحریم‌ها هیچ تاثیری در ریخت و پاش‌های رژیم در امور نظامی و توسعه فعالیت‌های نظامی‌اش از جمله ساخت موشک و پهپاد نداشته است.

سعید لیلانز به حاکمان در مورد خشم در حال انفجار توده‌ها هشدار می‌دهد و می‌گوید: "در صورت تداوم این وضع، من برای سال جاری احساس نگرانی می‌کنم".

براساس آمارهای رسمی در کشوری که رشد اقتصادی به‌صورت واقعی منفی است و هم‌همی آمارها حکایت از تشدید رکود دارند، نقدینگی در طول کمتر از دو سالی که کابینه رئیسی زمام امور اجرایی دولت را در دست گرفته دو برابر



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

### تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

### بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

#### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی